

پروژه‌ای که تا انقلاب از کنگره مخفی نگه داشته شد

راز باشگاه اطلاعاتی

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر

آغاز تقابل داخلی

تد شاکلی، یک افسر آمریکایی مأمور در سیا بود که در بسیاری از عملیات‌های مهم و بحث‌برانگیز سیا در طول دهه‌های چهل و پنجاه شمسی شرکت داشت. او یکی از برجسته‌ترین مأموران سیا بود که به دلیل موهای روشن و روش‌های مرموزش، به «شیخ بلوند» مشهور شده بود. او در سیا تجربه‌هایی همچون ریاست ایستگاه در میامی در دوره بحران موشکی کوبا، کارگردانی عملیات مونگوس (عملیات سیا برای حذف فیدل کاسترو و کمونیست‌ها از قدرت کوبا در دوران کنده)، مدیریت برنامه ققنوس در طول جنگ ویتنام ریاست چند ایستگاه سیا در آسیای شرقی را در کارنامه دارد و دومین مسئول عملیات مخفی سیا بوده است. مهمترین مأموریت سیا برای بقا پس از یک بحران اطلاعاتی در آمریکا، به او محول شد. پس از رسوایی واترگیت یعنی دستبرد به ستاد انتخاباتی حزب دموکرات و نصب غیرقانونی دستگاه شنود در آن در فاصله دی ماه ۱۳۵۰ تا مرداد ماه ۱۳۵۳ که منجر به استعفا ریچارد نیکسون شد؛ کنگره دست دولت آمریکا را برای مأموریت‌های بدون اطلاع کنگره تا حدی بست. این امر مانع از انجام کودتا و عملیات‌های ضد ملی در دیگر کشورها می‌شد. این بحران، مأموریت مهم تد شاکلی را پدید آورد.

تغییر درک داخلی از سیا و رازداری دولت موجب شد کمیسیون راکفلر و کمیته کلیسا تحقیقاتی را آغاز کند که دهه‌ها عملیات غیرقانونی توسط سیا و اف‌بی‌آی را فاش می‌کرد. رسوایی واترگیت توجه رسانه‌ها را به این عملیات‌های مخفی معطوف کرد.

یک رویکرد جدید

جیمی کارتر در مبارزات انتخاباتی خود از این نگرانی‌های عمومی در مورد پنهان کاری اطلاعاتی بهره‌بردور زمستان ۱۳۵۵ به قدرت رسید. بنابراین تلاش کرد تا دامنه عملیات مخفی سیا را کاهش دهد. ۹ آبان ۱۳۵۶، استنسیفیلد ترنر مدیر سازمان سیا که از طرف کارتر مأمور به اصلاحات جدی شده بود، از تخریب بیش از ۸۰۰ موقعیت عملیات مخفی خبر داد. صدها نفر از کارکنان اطلاعاتی، به دلیل بازنشستگی اجباری و پایان کار جامعه اطلاعاتی آمریکا ترک کردند. ترنر به طرق مختلف به دنبال نوسازی آژانس بود، ابتدا چندین افسر عالی رتبه نیروی دریایی، معروف به «مافیای نیروی دریایی» را به سمت‌های رهبری منصوب کرد و همچنین تغییر اساسی در روش‌های سنتی جمع‌آوری اطلاعات آژانس

داد و در ازای آن به استفاده از روش‌هایی همچون جمع‌آوری سیگنال‌ها (SIGINT) و ارتباطات (COMINT) روی آورد. ترنر در خاطراتی که در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد از اخراج‌ها ابراز پشیمانی کرد و اظهار داشت: «احتمالاً اصلاً نباید کاهش ۸۲۰ موقعیت را انجام می‌دادم و در صورت بازگشت به گذشته، مطمئناً ۱۷ پست آخر را انجام نمی‌دادم.»

اصلاحات رخ داده در این دوره، روش‌های عملیات اطلاعاتی را تغییر داد. دوران عملیات مخفی و پاسخکویی محدود گذشته بود، روزگار افزایش بوروکراسی، پاسخکویی و رویه‌های عملیاتی استاندارد «طبق ضوابط مکتوب» بود.

سازمان اطلاعاتی غیررسمی

اما قبل از آغاز این دوره، «شیخ بلوند» توانست محور تشکیل ائتلافی اطلاعاتی شود که آمریکا را بی‌نیاز از مداخله مستقیم در بسیاری از عملیات‌ها می‌کرد. شاید ترنر فکر می‌کرد که مانع دخالت سیا در امور پنهانی شده است، اما ایده کلپ سافاری او را دور زد و قدرتی فراتر از سیاق قبل از واترگیت داشت. باشگاه به خوبی توانست از محدودیت‌های تولید شده در بوروکراسی فراتر رود. یک رسانه آمریکایی درباره این کلپ نوشته است: «برای آمریکا، شورش علیه ترنر یک الزام بود.»

شاهزاده ترکی فیصل، در یک سخنرانی در سال ۲۰۰۲ در دانشگاه جورج تاون، ماجرا را چنین تعریف کرد: «در سال ۱۹۷۶، پس از اینکه مسائل واترگیت در اینجا اتفاق افتاد، جامعه اطلاعاتی شما به معنای واقعی کلمه توسط کنگره بسته شد. هیچ کاری نمی‌توانست بکنند، نه می‌توانست

جاسوس بفرستند، نه می‌توانست گزارش بنویسد و نه می‌توانست پول بپردازد. برای جبران آن، گروهی از کشورها به امید مبارزه با کمونیسم گردهم آمدند و باشگاه سافاری را تأسیس کردند. کلپ سافاری شامل فرانسه، مصر، عربستان سعودی، مراکش و ایران بود. هدف اصلی این باشگاه این بود که اطلاعات را با یکدیگر به اشتراک بگذاریم و در مقابله با نفوذ شوروی در سراسر جهان و بویژه در آفریقا به یکدیگر کمک کنیم.» یکی از مقصران بزرگ واترگیت ریچارد هلمز، رئیس سیا بود. او ۹ تیر ۱۳۴۵ به عنوان رئیس سازمان سیا در کاخ سفید سوگند یاد کرد و دوران ریاستش نزدیک به ۷ سال طول کشید. او اواخر اسفند ۱۳۵۱، هلمز اولین قربانی واترگیت شد و ناگزیر استعفا داد. او طی ده سال قبل از استعفا، هم در دوران معاونت سیا و هم در دوران ریاستش مسافرت‌های متعددی به تهران داشت. لذا قبل از ترک سازمان سیا، مأموریت یافت تا به عنوان سفیر آمریکا به ایران بیاید و با بهره‌گیری از سوابق دیرین دوستی خود با محمد رضا پهلوی فعالیت‌های سیا در منطقه خلیج فارس را وارد مرحله جدیدی کند. خاصه آنکه ایران و عربستان سعودی در دهه چهل شمسی همکاری اطلاعاتی برای بازگرداندن خاندان سلطنتی یمن داشتند و تجربه و بستری برای تأسیس یک سازمان همکاری وجود داشت.

از این رو، رئیس سابق و دیپلمات فعلی به یاری همکار سابقش «تد» برای شکل‌دهی سافاری آمد. در حالی کلپ سافاری در حال آغاز سازگارش بود که هلمز و تد شاکلی تحت نظارت کنگره قرار داشتند و می‌ترسیدند که عملیات مخفیانه جدید به سرعت افشا شود.

عدنان خاشقچی، عموی جمال خاشقچی روزنامه‌نگار مشهور مقتول است. او که نفوذ زیادی در دربار عربستان داشت، دلال اسلحه بود و در آن زمان به خاطر سبک زندگی تجملاتی‌اش شهرت جهانی داشت.



استنسیفیلد ترنر در حال سوگند توسط رئیس جمهور جیمی کارتر ۱۹۷۷

شاه حسن دوم و رئیس جمهور جیمی کارتر

میهمانی‌های چند میلیون دلاری‌اش می‌توانست تا چند روز ادامه پیدا کند. نام او دوبار در ایران پرتکرار شد، یکی به خاطر مشارکتش در مقدمات یک کودتای نافرجام و دیگری در ماجرای مک فارلین. آنچنان که رونالد کسلر، روزنامه‌نگار آمریکایی در کتابی به موضوع عدنان خاشقچی در سال ۱۳۶۵ نوشته است، آن باشگاه «در نود و یک هکتار در دامنه کوه کنیا قرار دارد و از چشم‌انداز باشکوه برخوردار است؛ جویبارهای کوهستانی، باغ‌های گل‌رز، آبشارهایی که به استخرهای آرام می‌ریختند... طاووس‌ها، لک‌لک‌ها، بزهای کوهی و پرندگان عجیب و غریب در اطراف قدم می‌زدند...»

اما حیوانات عجیب و غریب تنها موجود نادری نبودند که پس زمینه خیره‌کننده باشگاه سافاری کوه کنیا را زیبا کرده بودند؛ نام این باشگاه، با جلسه سازمان اطلاعاتی از سه قاره مختلف به شهرت رسید.

منشور اصلی مقرر می‌دارد که یک مرکز عملیات تا ۱۰ شهریور ۱۳۵۵ در قاهره ساخته شود. این گروه مقرر خود را در آنجا ایجاد کرد و سازمان آن شامل یک دبیرخانه، یک شاخه برنامه‌ریزی و یک شاخه عملیات بود. در عربستان سعودی و مصر نیز جلساتی برگزار شد. این گروه خریدهای زیادی از اسلک و مستغلات و تجهیزات ارتباطی امن انجام داد.

امضای ششم

حاضران در اولین نشست این گروه، عبارت بودند از الکساندر در مارنیش، مدیر سازمان اطلاعات خارجی فرانسه (SDECE)، کمال ادهم، مدیر اطلاعات المخبرت العامه عربستان سعودی، ژنرال کمال حسنعلی، مدیر اطلاعات مخبرت مصر، ژنرال احمد دلیمی، مدیر اطلاعات و فرمانده ارتش سلطنتی مراکش و سپهبد نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک. شخصیت محوری این ائتلاف، دومارانش بود؛ فردی که سال‌ها مدیریت ریاست نهاد اطلاعاتی فرانسه را بر عهده داشت، در آمریکا طرف مشورت بود (و حتی بعداً رسماً مشاور رئیس جمهور آمریکا شد) در مراکش عضو آکادمی اطلاعاتی آن بود و در ایران نیز مشاور شاه بود و حقوق معینی داشت.

منشور این ائتلاف در همان اجلاس به امضای این حضار رسید. منشوری که فلسفه خود را مقابله با ایدئولوژی مارکسیستی اعلام کرد. امضای عضو ششم، بلکه عضو اصلی آن را هنری